

# تحولات سیاسی ایران شتاب میگیرد!

مصطفی صابر mosaber@yahoo.com

وقایع هفته گذشته نشان داد که جدال اصلی جامعه ایران، تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی، به مراحل حساس و نقطه عطف جدیدی نزدیک میشود.

اجتماعات و تظاهرات ۱۸ تیر در تهران، شیراز، اصفهان و برخی شهرهای دیگر تاکید قطعی بود بر اینکه جنگ مردم علیه حکومت اسلامی نه فقط ادامه دارد که ابعاد تازه ای میگیرد. رژیم از چند روز پیش عملاً نوعی حکومت نظامی برقرار کرد. توسط "کلاه کج" ها و "پاترولهای سیاه" (این ترفند جدید "سردار قالیباف" پلیس قهرمان دوم خرداد) به کوچکترین زوایای زندگی شخصی مردم حمله برد و کوشید جو ارباب برقرار کند. تظاهرات ۱۸ تیر جواب مردم بود و اینکه "توپ، تانک، بسیجی، دیگر اثر ندارد". ترکیب اجتماعات ۱۸ تیر امسال نشان داد که نه فقط جوانها که مسن تر ها و میان سالها نیز در صحنه اند. نقش و حضور زنان نیز چشمگیر تر از گذشته بود. اینها پیشرفت های محسوسی نسبت به سالهای گذشته و نشانه مسلمی بود از اینکه جو عمومی جامعه بیش از پیش آماده سرنگونی جمهوری اسلامی است.

دعوی جناح ها در این هفته و درست بر متن شرایط فوق، به اوج بی سابقه ای رسید. طاهری امام جمعه اصفهان، از جمله دیناسوره های معمم سنگین جثه ولی نیمه مغضوب نظام، در نامه ای بسیار تند و گزنده عملکرد حکومت اسلامی را مورد حمله قرار داد و از اینکه "خشک و تر باهم خواهد سوخت" اظهار وحشت کرد. این نامه زد و خورد را تا بیخ حوزه میکشاند و در واقع دعوای موجود را در ابعادی بمراتب وسیع تر علنی و آشتی ناپذیر میکند. (منع مطبوعات از صحبت در باره نامه طاهری، که در ۱۹ تیر و توسط "شواری امنیت ملی" اعلام شد، گرچه ممکن است موقتا تاثیری بگذارد اما قادر به مهار جنگ اوج گیرنده جناحهای رژیم نیست). جنگ آیت الله ها، بر متن تحولات دیگری نظیر دعوا بر سر سخنرانی آغاچری، حکم تکفیر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از سوی جامعه مدرسین حوزه و علی مشکینی، تلاش رفسنجانی و مجمع تشخیص مصلحت برای گسترش و تثبیت موقعیت خود بر بالای سر قوه مجریه و قوه مقننه (که با اعتراض خاتمی و کروی روبرو شده است) و غیره، همه بروشنی این پیام را برای مردم دارد که جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی است. مردم می بینند که این از هم پاشیدگی توان جمهوری اسلامی برای آخرین تقلابهای نجات و دست بردن به سرکوب وسیع را تحلیل میبرد. این به نوبه خود مردم به جان آمده را جسورتر و متعرض تر خواهد کرد.

حکم شرایط عینی جامعه ایران، اینکه جمهوری اسلامی باید برود، دارد به اجرا در می آید. اما اجرای این حکم طبعا از خلال آمادگی ذهنی و مبارزاتی نیروهای جامعه میگذرد و پیچیده خواهد بود. میزان دردآور و یا آسان بودن دفع جمهوری اسلامی برای جامعه، و همینطور اینکه بعد از جمهوری اسلامی چه نصیب مردم خواهد شد، بستگی به آن دارد که کدام جنبش های طبقاتی و اجتماعی در صف اول و در رهبری این تحولات قرار گیرند. سهم هر جنبشی در شکل دهی آینده بسته به میزان آمادگی، تحزب و تحرک سیاسی و کلا نقشی است که امروز و در مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایفاء میکند. برای

طبقه کارگر (از کارگران کارخانه ها تا معلمان و پرستاران و غیره) که رهایی از بردگی و ستم و خرافه را برای خود و جهان میخواهد، برای زنان به عصیان آمده از آپارتاید جنسی که برابری و آزادی میخواهند، برای جوانانی که از اسلام و حکومتش بیزارند و زندگی شاد و پر ثمر میخواهند، اکنون وقت سازمان دادن و متشکل شدن است. وقت بر پا کردن مجامع عمومی و ساختن شوراهای و ارگانهای عمل متحد در کارخانه و محله، وقت برپا کردن حرکات و اعتصابات و تظاهراتهای وسیع توده ای است. وقت پیوستن به حزب کمونیست کارگری و بلند کردن پرچم "یک دنیای بهتر" در سطح جامعه است. تنها تحت این پرچم ریشه های جمهوری اسلامی کاملاً از بیخ و بن و با کمترین درد بیرون کشیده خواهد شد، و مردم میتوانند جامعه ای فارغ از استثمار، نابرابری، بی حقوقی، مذهب و خرافه، ستم و سرکوب را بنا نهند.